

پیام سنڌیکا



پیام سنڌیکا

۱۳۹۲ / ۵ / ۲۸

ماہنامہ پیام سنڌیکا

نشریه مستقل سنڌیکاہای کارگری ایران

ویژہ نامہ سالگرد کودتای ۲۸ امرداد



ماهنامه پیام سندیکا

نشریه مستقل سندیکا‌های کارگری ایران

هیئت تحریریه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

چاپ تهران

شناسه:

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک / تأسیس: ۱۳۳۹

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه / ۱۳۴۷

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات / تأسیس: ۱۳۴۸

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه / تأسیس: ۱۳۵۳

کودتای 28 مرداد

و پیامدهای آن برای طبقه کارگر



مازیار گیلانی نژاد

کودتای 28 مرداد که توسط پلیدترین دشمنان ایران و پست ترین و شریرترین عوامل داخلی اش صورت گرفت پیامدهای بسیار سنگین برای طبقه کارگر پدید آورد و بخشی از دستاورد های این زحمتکشان که همانا آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود، پایمال گردید.

اعتصاب کارگران چاپخانه ها در سال 1294 به رهبری سید محمددهگان، از جمله خواسته هایش یکی خدمات پزشکی بود.

با آغاز کنفرانس کارگران دربندرانزلی به تاریخ 1299/3/5 طرح «بیمه کامل اجتماعی از برای تمام انواع صدمات بر توانایی کار، بیکاری از بودجه کارفرما و دولت، و مرخصی یکماه با دریافت مزد برای کارگرانی که به مدت یکسال مداوم کار کرده باشند.» درخواست شد و این پایه ای گردید برای بنیان گذاری صندوق بیمه های اجتماعی در 1310/1/1 که «از کارگران راهسازی روزانه یک شاهی و از کارگرانی که قرارداد داشتند به میزان 2 درصد از دستمزدشان کسر میشد» و این به همت پیشروان و اتحادیه های کارگری میسر شد.

پس از شهریور 1320 و بازگشایی اتحادیه های کارگری، اتحادیه های کارگری

بیشترین همت خود را صرف دستیابی به 8 ساعت کار با دستمزدی مناسب و قانون کار نهادند. در 1323/2/11 و تشکیل شورای متحده با شرکت 4 سازمان سندیکایی، این خواسته ها در اولویت قرار گرفت، بطوریکه در 1325/1/18 نخست وزیر قوام السلطنه در ملاقات با رهبران شورای متحده موافقت کرد «هیات وزیران به موجب تصویب نامه ای شورای متحده را برسمیت بشناسد و ساعات کار در هفته به موجب تصویب نامه دولت به 48 ساعت کاهش یابد و جمعه ها تعطیل با استفاده از حقوق محسوب شود و نمایندگان شورای متحده اجازه یابند در جلساتی از شورای عالی اقتصاد که مسایل کارگری مطرح می شود، شرکت کنند» اما اتحادیه های کارگری به این بسنده نکرده لایحه قانون کار در کمیسیونی با شرکت رضا روستا دبیر شورای متحده، مهندس زاوش و مهندس تبریزی تهیه و تنظیم و به مجلس فرستاده شد.

متعاقب آن در 1325/2/11 در جشن روز کارگر سخنرانان بخصوص در خوزستان خواستار 8 ساعت کار، افزایش دستمزد، بهبود وضع مسکن، حقوق روز جمعه و تدوین قانون جامع کار شدند.

در 1325/2/22 اولین قانون کار در حکومت ملی آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری به تصویب رسیده و اجرایی گردید.

در تاریخ 1325/2/27 پس از آنکه نمایندگان مجلس شورای ملی در تهران از تصویب لایحه قانون کار طفره رفته و مجلس را از اکثریت می انداختند، به دستور اتحادیه های کارگری، مجلس توسط کارگران عضو اتحادیه های کارگری محاصره و هر نماینده ای که قصد خروج از مجلس را داشت، به داخل مجلس بازگردانده می شد.

با فشار طبقه کارگر این لایحه تصویب و روز بعد جهت اجرا به تمام موسسات ابلاغ شد. هر چند قانون کار فقط تصویب و ابلاغ شد، ولی برای اجرایی شدن آن تا بعد از 28 مرداد 32 هنوز کارشکنی ها ادامه داشت. البته اتحادیه های کارگری حتی قبل از تصویب این لایحه در بسیاری از صنوف و کارخانه ها، کارفرمایان را مجبور به اجرای 8 ساعت کار، تعطیلی روز جمعه با حقوق کردند، و اخراج کارگران را تنها با موافقت اتحادیه های کارگری می توانستند عملی سازند. برای به اجرا درآمدن این حقوق، ردی از خون کارگران همیشه جاری و نمایان بود.

این دستاورد ها با اخراج، در بدری و زندانی گشتن فعالان کارگری بدست آمده است. بر سر محمد حجازی کارگر چاپ و نویسنده اعلامیه روز کارگر سال 1308 کلاه یخی گذاشته او را کشتند. علی فرهودی استاد قالیباف مشهدی و بنیان گذار کلاس های سواد آموزی در خراسان را در زندان به قتل رساندند. فرخی یزدی شاعر و رییس اتحادیه مستاجران را به امر رضاخان با آمپول هوا به شهادت رساندند. سید محمد تنها نماینده کارگران نساجی اصفهانی در زندان قصر بدلیل صدمات وارده کشته شد. محمد صادق پورو علی شرقی از مسوولین اتحادیه مخفی کارگران شرکت نفت انگلیسی به علت شرایط بد زندان درگذشتند. محمد انزابی آموزگار اردبیلی از بی غذایی مرد. استاد غلامحسین نجار، پروان دیگیان، پور رحمتی از دیگر کشته شدگان راه بهروزی طبقه کارگرند.

در تاریخ ملی شدن صنعت نفت این کارگران بودند که در 1325/2/11 جشن روز کارگر در خوزستان علیه شرکت نفت انگلیسی موضع گرفتند. «یک سخنران زن، نفت را مروارید ایران خواند و انگلستان را متهم کرد که برای خوراک سگها بیشتر از مزد کارگران خرج می کند و خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس را خواستار شد» و این آغاز حمایت طبقه کارگر از یکی از خواسته های تاریخی بود.

در 1330/1/22 با اعتصاب سراسری اتحادیه کارگران نفت در خوزستان، این بار فقط دستمزد 3 هفته اعتصاب را خواستار نبودند، بلکه ملی شدن صنعت نفت را نیز خواستار شدند. خواسته های اقتصادی با خواسته های سیاسی گره خورد و 65000 کارگر اعتصاب کردند، که ما در اعتصابات سال 1357 بار دیگر این دستاورد را تجربه کردیم.

در 23 تیر 1330 شورای متحده تظاهراتی را علیه ورود هیات نفتی آمریکایی سازمان داد. پلاکاردی در پیشاپیش صف تظاهر کنندگان توسط زحمتکشان حمل می شد که شعار «فروش نفت آری، امتیاز هرگز» را به نمایش گذاشته بود. در این تظاهرات که توسط ارتش محمدرضا شاهی به خون کشیده شد، اسداله کاری جانی کارگر کفاش کشته و دانشجوی فداکار و عضو اتحادیه دانشجویان دانشگاه تهران، پروانه شیرینلو برای ممانعت از حمله تانکها به کارگران روی زمین خوابید

که تانک از روی پای او حرکت کرده و این دختر فداکار تا پایان عمر از داشتن پا محروم گردید. روزنامه اطلاعات تعداد مقتولین را 11 نفر ذکر کرده است. در این

روز سخنرانان کارگری همچون حسین سمنانی مسوول تبلیغات سندیکای کارگران کفاش در چهارراه مخبرالدوله بر روی ماشینی به دفاع از ملی شدن صنعت نفت پرداخت که گویای حمایت کارگران از ملی شدن صنعت نفت بود. اما با همه این حمایت ها، محدودیت علیه کارگران و اتحادیه های کارگری ادامه داشت.

استعفای رییس اداره کار همدان در تاریخ 1331/3/4 گویای ظلم و ستمی است که به کارگران می شد. او در استعفانامه خود چنین نوشت: «چون طاقت ندارم وضع رقت بار کارگران را به این حد و حصر به چشم خود ببینم. مرگ را به این ریاست ترجیح می دهم. محمود خانی» بیکاری، گرانی، اخراج های متوالی کارگران فعال، عقب افتادن حقوق کارگران برای ماههای متمادی، حمله او باش و دسته های ضد کارگری به باشگاههای کارگری و قتل و زخمی کردن کارگران فعال همچنان ادامه داشت. براتعلی بزدوده، نوروزعلی غنچه، قازار سرکیسیان، حسن حیدرپور، حسین خان گلناری، اسحق رحمت، شیروان محمودی... بخشی از کشته شدگان این سالها هستند. با اختلاف شاه و دکتر مصدق این طبقه کارگر بود که پس از استعفای دکتر مصدق بزرگترین حمایت قدرتمندانه را به نمایش گذاشت.

در 1331/4/29 اعتصاب 28 ساعته از طرف کارگران سیلو، دخانیات، سیمان تهران و چیت سازی و راه آهن اعلام شد.

تظاهرات وسیع در آبادان توسط شورای متحده به حمایت از دکتر مصدق به راه افتاد که به کشته شدن چندین کارگر منجر شد. در 1331/4/30 با راهپیمای شورای متحده از چهار راه مخبرالدوله تا بهارستان با شعارهای مرگ براستبداد، دست شاه از دخالت در امور کشور کوتاه، مرگ برقوام خائن، مرگ برشاه، مرگ براشرف، یامرگ یامصدق، از جان خود گذشتیم، یامرگ یا آزادی، آغاز گردید. سخنرانی حسین سمنانی از اتحادیه کارگران کفاش بعد از بهم خوردن مراسم رسمی در ظهر این روز در میدان توپخانه و کشته شدن ماناس وقاز ارحزون کارگران کفاش بدست مزدوران شاه در این روز نشانگر حمایت بی دریغ طبقه کارگر از حکومت ملی دکتر مصدق است.

این آخرین بار نبود که اتحادیه های کارگری به کمک دولت ملی دکتر مصدق شتافتند. در کودتای اول 1332/5/25 کارگران به خیابانها ریخته از دولت ملی دکتر مصدق حمایت کردند. از ظهر 25 مرداد خیابانها در اختیار طبقه کارگر بود. میتینگ های موضعی، پایین آوردن عکس ها و مجسمه های شاه در میادین و

فریاد زنده باد جبهه متحد واحد ضد استعماری را سردادند. تا عصر 1332/5/27 که دکتر مصدق دستور جلوگیری از این تظاهرات را داد و بدستور سرتپ ریاحی رئیس ستاد ارتش کارخانه های چیت سازی، سیمان تهران، دخانیات، بلور سازی، دباغی ها، کوره پزخانه ها و راه آهن توسط ارتش محاصره و از حضور کارگران در خیابانها بشدت جلوگیری شد.

700 نفر از کادرهای شورای متحده در این روز دستگیر شدند. با ممانعت از تظاهرات کارگران و به خانه فرستادن و محاصره کارخانه ها توسط ارتش، دست رجاله های ارتشی و اوباش باز شد تا پهلوان پنبه میدان و قوت قلب کودتاچیان شوند. ستون فقرات تشکیلات کارگری تهران را کارخانه های سیلو، چیت سازی، دخانیات، کوره پزخانه ها و راه آهن تشکیل می داد که به محاصره ارتش درآمده بود. سنگ را بسته و سگها را رها کرده بودند.

بعد از کودتا آنچه نصیب طبقه کارگر شد، اخراج، دربدری، زندان، شکنجه، ترور، اعدام و بدتر از همه نابودی دستاوردهای کارگری بود و اتهام عدم حمایت از دولت ملی دکتر مصدق. اما چه باک، ما بسیاریم و خلق را شکست، آزمونی و تجربه ای دیگر است.

پس از 28 مرداد بسیاری از مواد قانون کار از جمله 8 ساعت کار، تعطیلی روز جمعه، اخراج ها و از همه مهمتر داشتن اتحادیه نادیده انگاشته شد و کشتار کارگران آغاز گردید. حسن کارگر حبلی ساز در زندان زیر شکنجه کشته شد، محمد کریمی دهقان زاده ای از روستای گلدسته و رامین و نماینده کارگران در فستیوال صلح در جریان شکنجه وزیر ضربات باتون مشاعرش را از دست داد.

قازاریان در لاله زار مورد هدف گلوله قرار گرفت. آودیس مسروپیان کارگر قناد با مسلسل درو شد. آرماییس از فعالان

کارگری اصفهان توسط داشناک ها ترور شد. ملانصراله تحریری دهقان مبارز گرمساری به وسیله مرتجعین ربوده، آب جوش روی بدنش ریختند و او را به طرز دلخراشی کشتند.

وارطان سالاهانیان کارگر کفاش تکه تکه شد، ولی سخنی نگفت. ابوالفضل فرهی از بنیان گذاران اتحادیه قالیبافان خراسان در سالهای 1309 و از فعالین اتحادیه کارگران شرکت نفت در زیر شکنجه کشته شد. اما این کشتارها نتوانست زحمتکشان را از مبارزه باز دارد. باقی مانده هیات

دبیران شورای متحده که توانسته بود به موقع خود را از زیر ضربه کودتا خارج کرده و مسوولینش را در خانه های کارگری پنهان کند، توانسته بود تا زمان دستگیری در 1333/11/17 اعتصاب بزرگ کارگران کفاش تهران را سازماندهی کرده و تجمعات موضعی را علیه رژیم کودتا، برای شکستن روحیه ضعف و شکست برپا کرده و سازمان گسترده ای برای حمایت و کمک به خانواده های زندانی سیاسی ایجاد کند. حمایت و همدردی با کشته شدگان روز 16 آذر، رژیم را به وحشت انداخته بود. از جمله در 16 آذر سال 1332 فتح اله صباغی عضو سندیکای کارگران کفاش، پارچه نوشته ای را در بازار کفاشها از سقف بازار آویزان کرد، که در آن نوشته شده بود: نیکسون به خانه ات برگرد. این هیات دبیران در اوایل تیر 1333- کمیته تدارک اعتصاب سندیکای کارگران کفاش با حضور عبدالله احیا، خسرو عیوضیان، اباذر برنگی اعضای باقی مانده سندیکای کارگران کفاش را در خانه یکی از اعضای جبهه ملی در بازارچه حضرتی برای حصول به: لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی کارگر و دانشجو، اجرای قانون کار، اجرای بیمه تامین اجتماعی، برگزار نمود.

اعلامیه اعتصاب توسط هیات مدیره باقی مانده سندیکای کارگران کفاش توسط اباذر برنگی بدست فعالین و سپس در کارگاههای کفاشی توزیع شد در تاریخ 1333/4/14 با سازماندهی اعتصاب کارگران کفاش تهران، چهار هزار کارگر کفاش در این اعتصاب شرکت کردند. اعتصاب کارگران کفاش که تحت پوشش اجرای تعطیلات روز جمعه با حقوق و بیمه های اجتماعی، سازماندهی شده بود در حقیقت تمرینی برای اعتصابات و اعتراضات آتی بود، که پشتیبانی سندیکاهای کارگری از خواسته های کارگران کفاش را در پی داشت. برخورد رژیم با این

اعتصاب آنچنان سخت بود که در لاله زار و بازار کامیون های ارتشی هر کسی را که دستش پینه بسته بود بدون اینکه پرسش کنند که آیا در اعتصاب شرکت دارد یا نه دستگیر و روانه بازداشتگاه می کردند. حکومت نظامی که از این اعتصاب بسیار متعجب شده بود با دستگیری های گسترده سعی در پیدا نمودن رهبران اعتصاب داشت. با این دستگیری های گسترده سندیکای کارگران کفاش و هیات دبیران شورای متحده با صدور دومین اعلامیه خود خواسته های دیگری را به میان گذاشتند. در تاریخ 1333/4/17 سندیکای کارگران کفاش، آزادی کلیه کارگران بازداشتی 28 مرداد تاکنون را بدون قید و شرط خواستار شد و اعلام

کرد: «تا خواسته هایمان را بدست نیاوریم، اعتصاب ادامه خواهد داشت.» پانزده روز بعد از اعتصاب حکومت نظامی که نتوانسته بود رهبران اعتصاب را بیابد و هر روز با اعتراض خانواده های کارگران و کارفرمایان این کارگران دستگیر شده روبرو بود مجبور شد در روز 29 تیر نمایندگان کارگران کفاش اعتصابی را برای مذاکره جهت خواسته های خود با حضور نمایندگان وزارت کار و فرهنگ مولوی مسوول امور کارگری ساواک پذیرفته، همه کارگران زندانی سندیکای کفاش از 28 مرداد تا به آن روز را آزاد کند. با آزادی زندانیان کفاش اعتصاب خاتمه یافت.

اما هیچ خبری به اندازه دستگیری هیات دبیران شورای متحده، رژیم کودتارا خوشحال نکرد. رفتاری که در زندان با این کارگران شد گویای عمق وحشت رژیم ضد کارگری شاه از کارگران و اتحادیه های کارگری بود.

در تاریخ 1333/11/17- روزنامه کیهان با خوشحالی دستگیری اعضای هیات دبیران شورای متحده شهرستان تهران رابه این شرح اعلام کرد: 1- محبوب عظیمی مسوول و دبیر شورای شهرستان تهران 2- بهرام یعقوب زاده عضو هیات دبیران شورای شهرستان شورای متحده تهران و مسوول و رابط هیات های اجرایی اتحادیه های نانوائی، بلور سازی، باربری، قند و شکر و شهرداری. 3- فرجامی عضو هیات دبیران شورای شهرستان شورای متحده و مسوول رابط مسوولین اجرایی اتحادیه های ریسباف، کشتارگاه، سیلو، دخانیات و آرد. 4- ابوالفضل سعادتقلی عضو هیات دبیران شورای شهرستان تهران و مسوول و رابط دبیران اتحادیه های نانوائی، بلور سازی، باربری، قند و شکر، سلمانی ها، گرمابه ها، پزشکیاران

وپرستاران.5- حسین جهان دیده پور عضو هیات دبیران شورای شهرستان تهران و رابط مسوولین اتحادیه های سینماها و کفاشان. 6- ایرج زندپور عضو کمیته ایالتی شیراز و رابط تشکیلات کارگری شهرستانها. 7- زهرا غلامعلی پیک شورای متحده و به دنبال آن در تاریخ 1333/11/18- دستگیری خسرو عیوضیان دبیر اتحادیه کارگران کفاش ، اباذر برنگی هیات اجراییه اتحادیه کارگران کفاش، آوانس اسکندری هیات اجراییه اتحادیه کارگران کفاش، محمد علی مقبل کارگر کفاش، کریم قضایی پور کارگر کفاش ، و از اعضای کمیته اعتصاب 1333/4/14 اتحادیه کارگران کفاش. تا تاریخ 1333/12/20 ابراهیم رحمانی، علی معروفی ، اسماعیل باقری از اعضای هیات اجراییه اتحادیه کارگران شهرداری، اکبر عبدی، ملوک

فرخزاد، شاپور تقی پور کاردان، پورنجاتی، میرانی از اعضای هیات اجراییه اتحادیه پزشکیاران و پرستاران، بهشتی، مقصودی از اعضای اتحادیه پرستاران، عزیز عظیمی عضو هیات اجراییه اتحادیه بیمارستان سینا، مجیدیان عضو هیات اجراییه تیمارستان، اسماعیل حیدر حیدری مسوول اتحادیه کارگران سینما و گرمابه داران و وارطان عضو اتحادیه سینماها، رضا پژوتن، محمد نصیری عضو هیات اجراییه اتحادیه کارگران نانوا، غفور شهرتی، حیدربدلی، از اعضای هیات اجراییه اتحادیه کارگران بلورسازی، حسین علی قبادی عضو هیات اجراییه اتحادیه کارگران قند و شکر، خیراله شفیع زاده عضو هیات اجراییه اتحادیه باربری، دستگیر شدند. در همین حین آوانس مدودیان مسوول اباذر برنگی و رحمت اله جزنی از کادرهای دیگر شورای متحده نیز دستگیر می شوند.

بعد از لو رفتن چاپخانه داودیه و کشته شدن وارطان و کوچک شوشتری در اردیبهشت سال 1333، باقی مانده اعضای شورای مرکزی شورای متحده جهت چاپ اعلامیه ای که ایرج زند پور نوشته بود با عنوان « جلادان حکومت نظامی در خوزستان آدم می کشند» ، به بهرام یعقوب زاده ماموریت میدهند به بازار نوروز خان رفته یکی از چاپخانه داران را با پول زیاد راضی به چاپ اعلامیه کند. چاپخانه دار پذیرفته و پس از رفتن بهرام یعقوب زاده، موضوع را به فرماندار نظامی گزارش می کند. روز جمعه 1333/11/17 بهرام یعقوب زاده به چاپخانه مراجعه کرده پس از دریافت اعلامیه ها، در جلوی مسجد شاه اعلامیه ها را به بانو زهرا غلامعلی نامزد ابوالفضل سعادتقلی تحویل میدهد، که توسط

فرماندار نظامی دستگیر می شوند. پس از آنان حسین جهان دیده پور، تندنویس مجلس شورا و ابوالفضل سعادتقلی دستگیر می شوند حسین جهان دیده پور با کمی توپ و تشر در فرمانداری نظامی سایر اعضای شورای شهرستان شورای متحده و باقی مانده هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش را معرفی می کند. کلیه اعضای دستگیر شده را به زندان تیپ دو زرهی برده و سروان سالاری بازجویی این گروه را به عهده می گیرد.

بهرام یعقوب زاده، پارچه فروش دوره گرد از خانواده های کلیمی و فقیر بود. او بدلیل مقاومت در زیر شکنجه و به خصوص کلیمی بودن، شکنجه بسیاری را از طرف سروان سالاری متحمل شد.

خسروعیوضیان، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش در خانواده ای مسیحی متولد شد. او در دوختن کفشهای زنانه و شیک مهارت داشت و در بین کارگران تکی دوز بسیار سرشناس و محبوب بود. او بدلیل مقاومت درحین بازجویی بشدت شکنجه شد. پس از آزادی از زندان به ارمنستان مهاجرت کرد.

25/12/1333- روزنامه کیهان خوشحالی رژیم کودتار از دستگیری رهبران کارگری چنین بازگو میکند: «طبق اظهار دستگیرشدگان مداخله ناروا و رهبری حزب توده از عوامل موثر عدم رشد اتحادیه ها و بالاخره شکست شورای متحده می باشد. در اثر رهبری غلط و مداخلات بی مورد حزب توده بود که ایجاد تشنج و اعتصاب، معمولی ترین و ساده ترین شکل مبارزه شناخته شده و کارگران با پیش کشیدن تقاضاهای نامتناسب و هرج و مرج طلبانه اقتصاد و آرامش کشور را مختل می ساختند. بآنکه حزب توده و شورای متحده آن حزب، نفوذی در میان کارگران و زحمتکشان ایران نداشتند ولی بباستن خود به اتحادیه ها و نفوذ در آنها صدمات جبران ناپذیری به اقتصاد مملکت وارد ساخته و زحمتکشان ایران را برخلاف امیال وطن خواهانه آنها در جهت اجرای نیات پلید خود ملعبه و آلت دست قرار داده است. شورای متحده مرکزی از بدو تاسیس تاکنون مجری نقشه های خائنانه دستگاه رهبری حزب توده بوده و کوچکترین قدمی در جهت رفاه حال زحمتکشان و بالا بردن سطح تولید در این سازمان که عده ای از سران آن فراری و عده کثیری نیز در چنگ قانون گرفتار آمده اند همیشه سعی می کردند زحمتکشان ایران را از راههای صحیح و تشکیل اتحادیه های واقعا صنفی

منحرف ساخته و هدفهای جاسوسی و سیاسی حزب توده را بر منافع اقتصادی و صنفی کارگران ایران ترجیح بدهند. شورای متحده با قیافه حق به جانب و تبلیغات عوام فریبانه هرج و مرج و آنارشیزم را در میان کارگران رواج داده و انضباط را که یکی از مختصات محیط های کارگری است سست نموده و اقتصاد مملکت را دچار وقفه ساخته بود. شورای متحده مرکزی که با کشف اخیر به عمر آن خاتمه داده شده موجب پایین آمدن سطح تولید و ترس و وحشت کارفرمایان و عامل هر گونه خرابکاری و سابوتاژ در موسسات ملی و دولتی بود اینک به زحمتکشان ایران مژده داده می شود که با متلاشی شدن حزب توده و قطع ایادی کارگر نمای آن حزب از زندگی سیاسی و اقتصادی کارگران و زحمتکشان ایران از این به بعد کوششها و تلاشهای کارگران از راه منطقی و قانونی منحرف نگردیده و دیگر

زحمتکشان ایران آلت دست مشتکی جاسوس واقع نخواهند گردید.» البته از حکومت کودتا جز این سیاه نمایی انتظاری دیگر نیست. آری در قاموس کسانی که میهن فقط در چمدانهایشان و دلارهایی که در حساب های بانکی شان تعریف می شود، دستیابی به 8 ساعت کار، بیمه تامین اجتماعی، مرخصی های سالانه و تعطیلی روز جمعه با حقوق خرابکاری و هرج و مرج و تبلیغات عوام فریبانه باید تلقی شود. رفتار وحشیانه ای که با این رهبران کارگری فداکار در زندان ها کردند تنها گوشه ای از هراس همیشه به دل مانده سرمایه داری وابسته به امپریالیسم آمریکا و انگلیس و عوامل خود فروخته ای همچون پهلوی از طبقه کارگر است و نشانه ای از پستی و بی شخصیتی اینان.

دست خسرو عیوضیان بهترین کفاش زنانه دوز و دبیر اتحادیه کارگران کفاش را لای گیره گذاشته شکستند، ابادر برنگی عضو کمیته اعتصاب کارگران کفاش را چنان شکنجه کردند که کلیه هایش از کار افتاد، رحمت اله جزنی را چنان با شلاق زدند که تا ماهها به پشت نمی توانست بخوابد. جراحات هایش را مداوا نمی کردند تا باعث چرک شده، خارش و عذاب بیشتری نصیبش شود. بهرام یعقوب زاده پارچه فروش دوره گرد و از مسوولین شورای متحده را بدلیل مقاومتش در زیر شکنجه و بخصوص کلیمی بودنش عذاب فراوانی دادند و با گذاشتن سیخ داغ بین دورانش، فداکاریش در راه طبقه کارگر را ستودند. محبوب عظیمی کارگر آهنگر و دبیر شورای متحده تهران را چنان شکنجه کردند که تا پایان عمر اثراتش باقی بود. ما سرمستی رژیم ضدکارگری شاه دیری نپایید. رود خروشان و زاینده

زحمتکشان را هیچ سدی نمی توانست از حرکت بازایستاند. طبقه کارگر با بازسازی خود از اوایل سال 1334 سندیکاهای خود را ایجاد کرده و در پی دستیابی حقوق از دست رفته آستین ها را بالا زد. نه تنها آب رفته رابه جوی بازگرداند بلکه دستاوردهای برادران تکه تکه شده و زیر شکنجه های حیوانی له شده اش راگسترده ترکرد. بیمه های اجتماعی را همگانی کردند، حق عایله مندی را نه تنها برای زحمتکشان، که برای همه مزدبگیران کسب کردند. رسمی شدن کارگران به امری عادی بدل شد، دست لباس کار و کفش کار، تعطیلات تابستانی، استراحتگاه محمود آباد، کمدلباس، سالن غذاخوری، سرویس رفت و آمد، مهدکودک، شیر خوارگاه، 2 ماه مرخصی با حقوق برای زنان باردار، حتی شیر و صابون را نیز به دیگر حقوق زحمتکشان و مزدبگیران افزودند، تا شامل

آموزگاران و حتا نظامیان نیزشود. تلاش برای گسترده ترشدن بیمه برای همه صنوف و از همه مهمتر قانونی کردن حق اعتصاب در ماده مکرر 33 قانون کار شاهنشاهی، از شاهکارهای طبقه کارگر بود.

امرداد 1392

" نام نامه "

***بهرام یعقوب زاده** پارچه فروش دوره گرد از خانواده های کلیمی و فقیر بود. او بدلیل مقاومت در زیر شکنجه و به خصوص کلیمی بودن، شکنجه بسیاری را از طرف سروان سالاری متحمل شد.

***خسرو عیوضیان** عضو هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش در خانواده ای مسیحی متولد شد. او در دوختن کفشهای زنانه و شیک مهارت داشت و در بین کارگران تکی دوز بسیار سرشناس و محبوب بود. او بدلیل مقاومت در حین بازجویی بشدت شکنجه شد. پس از آزادی از زندان به ارمنستان مهاجرت کرد.

***اباذر برنگی** تا سال 1357 از نارسایی کلیه رنج می برد . او زنده و سرحال است و برای روزنامه آتیه مقاله می نوشت .

* **سروان سالاری** سال 1333 و **سرلشکر سالاری** رییس ساواک که کیلویه و بویر احمد در سال 1357 توسط مردم دستگیر و اعدام شد.

"منابع"

خاطرات پیشکسوتان جنبش سندیکایی ایران
شوق یک خیز بلند : جلیل محمودی
ایران بین دو انقلاب : یرواند آبراهامیان
اسنادی از اتحادیه های کارگری : به کوشش محمود طاهرزاده
روزنامه اطلاعات و روزنامه کیهان

__ آلبوم عکس __

پیکره شادروان سید محمد دهگان

نخست رهبر ارجمند و یگانه
پیشوای بزرگوار زحمتکشان
اولین نماینده و مدیر اتحادیه
کارگران مطابع طهران
مدیر اتحادیه مرکزی کارگران
ایران .
نماینده کارگران ایران در کنفرانس
چهارم بین الملل سوم و مدیر روزنامه
تاریخی حقیقت
بزرگترین مبارز شجاع راه
آزادی بر علیه ارتجاع و برپا کننده
نهضت مقدس کارگری در ایران



زمان: ۱۳۳۸
مکان: روستای گلدسته
محمد کریمی گلدسته‌ای، پس از آزادی از زندان
از راست به چپ به ترتیب: غفوری، محمد کریمی، عسگری، رهنما و...



رضا روستا

دبیر شورای متحده مرکزی



سید جعفر پیشه‌وری

رهبر حکومت ملی آذربایجان



حسین سمنانی

مسئول تبلیغات سندیکای کارگران کفاش



ابادر برنگی

عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران کفاش



وارطان سالاخانیان

وارطان سالاخانیان

کارگر کفاش



علی امید ۱۲۵۲-۱۳۷۹ از دهان برجسته ای جنبش سندیکایی در ایران

علی امید

کارگر سندیکایی

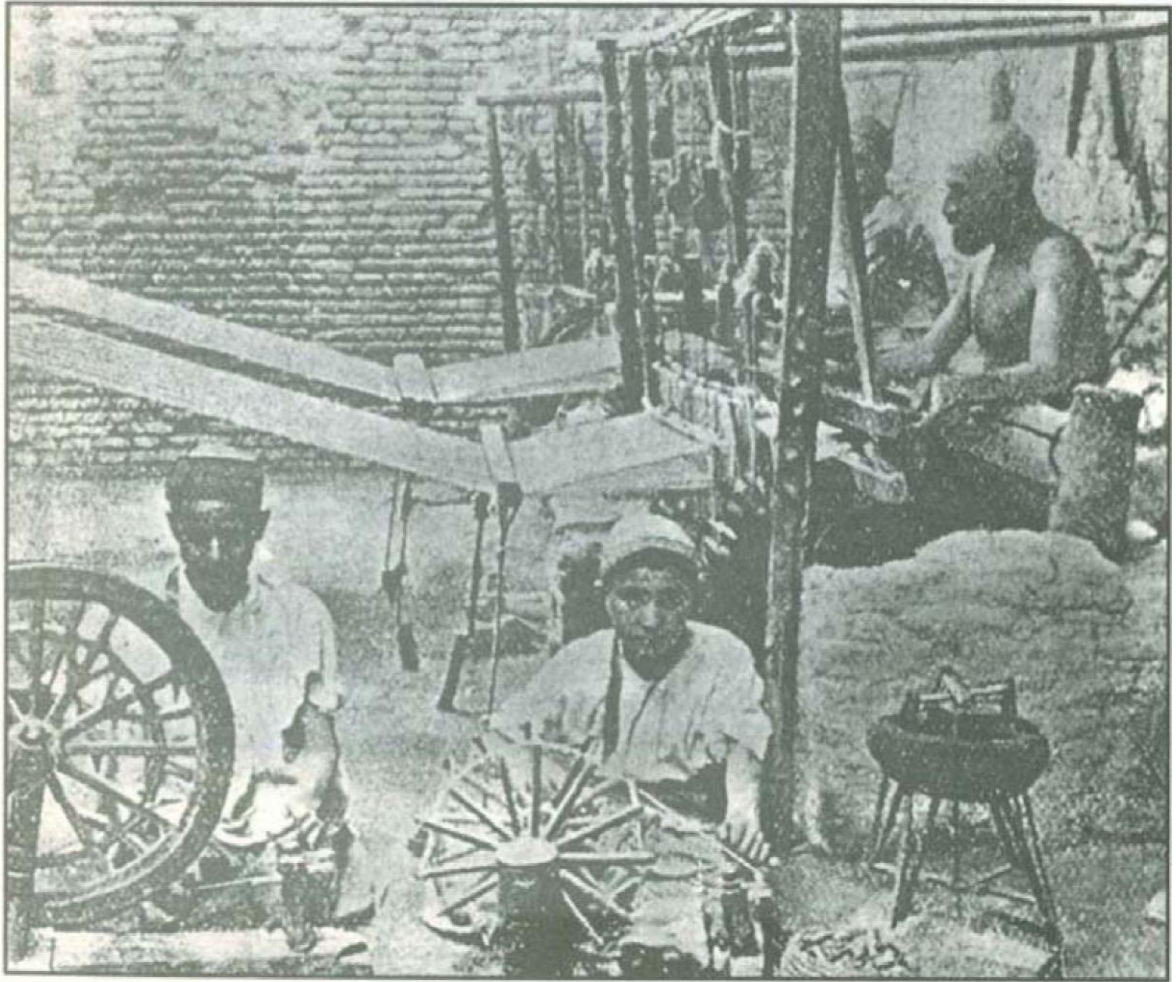


محمد حجازی

کارگر چاپخانه

و نویسنده اعلامیه روز کارگر

کارگاه نساجی در دوره‌ی قاجار



آدران کرج - فروردین سال ۱۳۳۱



آخرین بازماندگان شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران

از راست به چپ :

ایرج زندپور

عضو کمیته ایالتی شیراز و رابط تشکیلات کارگری شهرستانها

محبوب عظیمی

مسوول و دبیر شورای شهرستان تهران

حسین جهان دیده پور

عضو هیات دبیران شهرستان ها و رابط مسوولین اتحادیه های سینما ها و کفاشان

محمد فرجامی

عضو هیات دبیران شهرستان شورای متحده و مسوول رابط مسوولین اجراییه ریسباف-

کشتارگاه- سیلو- دخانیات - وارد

بهرام یعقوب زاده

عضو هیات دبیران شورای شهرستان و شورای متحده تهران و مسوول و رابط هیات های

اجراییه اتحادیه های نانوائی، بلورسازی، باربری، قند و شکر و شهرداری

"طبقه کارگر"

مبارزه می کند

تا حقوقی را که بدست می آورد،

شامل تمام زحماتشان شود.

"طبقه کارگر"

برای سپاس گذاری از پیشکسوتان،

راهی جز

تعمیق و گسترده تر کردن این حقوق

ندارد.



skfelezkar@gmail.com

<https://www.facebook.com/mwmsyndicate>